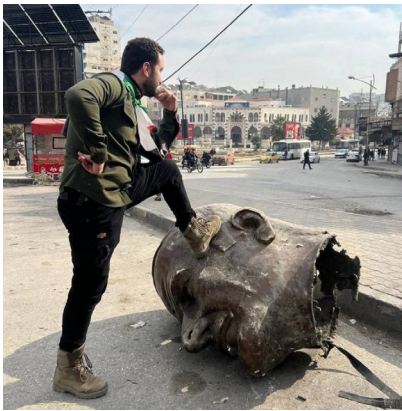




پایان خاندان اسد در سوریه

صفحه آخر

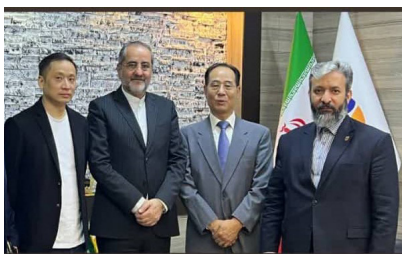
یک قاضی:

از خدا می‌خواهم مجبور نشوم با
استناد به قانون فاجعه‌بار حجاب
رای صادر کنم



صفحه آخر

ارزیابی زیرساخت‌ها و ظرفیت‌های منطقه آزاد قشم از سوی هیات سرمایه‌گذار چینی



صفحه ۷

رونمایی از چهار کتاب برگرفته از میراث جزیره قشم

صفحه آخر

برگزاری جلسه دانش‌افزایی و راهکاریابی به منظور رفع بوی کارخانه‌های پودر ماهی قشم

صفحه ۷



گزارش یک سفر کوتاه به منطقه ترکمن‌نشین جرجلان استان خراسان شمالی

جولان زیبایی و محرومیت در جرجلان

گزارش: تاج محمد کاظمی

* منطقه جرجلان از توابع شهرستان راز و جرجلان در استان خراسان شمالی، منطقه‌ای زیبا، وسیع و کوهستانی در شمال شرقی کشورمان هم مرز با کشور ترکمنستان که با رودخانه خشک و کم‌آب‌ترک به عنوان خط مرزی از هم مجزا شده‌اند

* سفر به منطقه جرجلان با هر هدفی هم که صورت بگیرد قطعاً این حسن را دارد که انسان با منطقه‌ای زیبا، بکر و ناشناخته، با جامعه‌ای دارای فرهنگ و آیین متفاوت و مهم‌تر از همه با انسان‌هایی سخت‌کوش، کم‌ادعا و کم‌توقع و البته دارای زخمی نهان از ظلم و تبعیض برتن‌آشنا می‌شود

* ما رسانه‌ای‌ها سال‌ها که نه، بلکه دهه‌هاست دانسته یا نادانسته، واقعیات جامعه را کتمان می‌کنیم، همه چیز را در آن گل و بلبل نشان می‌دهیم، در صورتی که واقعیت‌های زندگی در بیرون چیز دیگری است



* دکتر عبدالجلیل غیادی صرفاً یک پزشک برای درمان تن مردم رنجور منطقه جرجلان نبود، بلکه فراتر از یک درمانگر جسم که درمانگر روح و روان و ناجی و تکیه‌گاه مردمی زخمی بود که زخم تبعیض و محرومیت آنها در فراموشگاه تاریخ، کهنه و ماندگار شده است

* دختران و زنان قالی‌باف ترکمن چه نشسته و چه ایستاده، مانند همه دختران و زنان این سرزمین، به رغم همه تضییقات و تبعیضات، با نجابت و شجاعت مثال‌زدنی خودشان در سخت‌ترین شرایط، نه تنها فرش که عرش را هم برای ملت ایران به ارمغان آورده‌اند

از زمانی که بازنشسته شدم یکی از برنامه‌هایم برای دوران بازنشستگی، سفر به مناطقی از کشورمان بود که هرگز در طول این بیش از شش دهه عمرم قدم به آنجا نگذاشته بودم.

و امروز سه شنبه ۲۹ آبان ۱۴۰۳ بعد از گذشت حدود کمتر از سه سال از زمان بازنشستگی‌ام، دارم می‌روم به منطقه جرجلان از توابع شهرستان راز و جرجلان در استان خراسان شمالی، منطقه‌ای زیبا، وسیع و کوهستانی در شمال شرقی کشورمان هم مرز با کشور ترکمنستان که با رودخانه خشک و کم‌آب‌ترک به عنوان خط مرزی از هم مجزا شده‌اند.

قبل از دیدن این منطقه تصور خاصی از آن در ذهنم نقش نبسته بود. فقط می‌دانستم که مردم این منطقه مثل خودم ترکمن هستند، من اهل ترکمن صحرا به عنوان بخش بزرگی از استان گلستان شامل گنبد، آق‌قلا، بندر ترکمن، کلاله، گمش‌تپه و مراوه‌تپه هستم ولی مردم جرجلان که شاید ۳۰ کیلومتر از مراوه‌تپه گلستان فاصله نداشته باشد به رغم اینکه صد در صد ترکمن هستند اهل استان خراسان شمالی محسوب می‌شوند.

دیگر اینکه می‌دانستم این منطقه نیز مثل اکثر مناطق مرزنشین و قوم‌نشین از محروم‌ترین مناطق کشورمان است و شرایط زندگی مردم این منطقه هم مانند مردم این مناطق چندان مطلوب نیست. به هر حال با این تصورات روانه منطقه جرجلان هستم. بهانه سفرم به این منطقه نیز مثل بهانه اکثر سفرهایم در طول حدود ۲۰ سال پیش به این طرف، چیزی جز تدریس روزنامه‌نگاری به خبرنگاران، چیز دیگری نیست.

گرچه در طول این مدت به این بهانه به اکثر استان‌های کشور سفر کرده‌ام اما نمی‌دانم امروز بعد از گذشت دو دهه از آغاز تدریسم، چرا احساس خوبی نسبت به آموزش روزنامه‌نگاری در کشور ندارم، شاید وضعیت اسفبار مطبوعات و سایر رسانه‌های جمعی و حرفه روزنامه‌نگاری و شرایط شغلی و اجتماعی اسفبارتر خبرنگاران از یک طرف و وضعیت بغایت بغرنج جامعه ما که مطبوعات، رسانه‌ها و خبرنگاران در ایجاد آن سهیم هستند از طرف دیگر، آموزش روزنامه‌نگاری را برایم بی‌معنی کرده است...

متن کامل گزارش در صفحات ۲ الی ۶

گزارش یک سفر کوتاه به منطقه ترکمن نشین جرگلان استان خراسان شمالی

جولان زیبایی و محرومیت در جرگلان

گزارش: تاج محمد کاظمی



از زمانی که بازنشسته شدم یکی از برنامه هایم برای دوران بازنشستگی، سفر به مناطقی از کشورمان بود که هرگز در طول این بیش از شش دهه عمرم قدم به آنجا نگذاشته بودم. و امروز سه شنبه ۲۹ آبان ۱۴۰۳ بعد از گذشت حدود کمتر از سه سال از زمان بازنشستگی ام، دارم می روم به منطقه جرگلان از توابع شهرستان راز و جرگلان در استان خراسان شمالی؛ منطقه ای زیبا، وسیع و کوهستانی در شمال شرقی کشورمان هم مرز با کشور ترکمنستان که با رودخانه خشک و کم آب ترک به عنوان خط مرزی از هم مجزا شده اند.

قبل از دیدن این منطقه تصور خاصی از آن در ذهنم نقش نیسته بود. فقط می دانستم که مردم این منطقه مثل خودم ترکمن هستند، من اهل ترکمن صحرا به عنوان بخشی بزرگی از استان گلستان شامل گنبد، اق قلا، بندرترکمن، کلاله، گمش تپه و مراوه تپه هستم ولی مردم جرگلان که شاید ۳۰ کیلومتر از مراوه تپه گلستان فاصله نداشته باشد به رغم اینکه صد در صد ترکمن هستند اهل استان خراسان شمالی محسوب می شوند.

دیگر اینکه می دانستم این منطقه نیز مثل اکثر مناطق مرزنشین و قوم نشین از محروم ترین مناطق کشورمان است و شرایط زندگی مردم این منطقه هم مانند مردم این مناطق چندان مطلوب نیست.

به هرحال با این تصورات روانه منطقه جرگلان هستم. بهانه سفرم به این منطقه نیز مثل بهانه اکثر سفرهایم در طول حدود ۲۰ سال پیش به این طرف، چیزی جز تدریس روزنامه نگاری به خبرنگاران، چیز دیگری نیست.

گرچه در طول این مدت به این بهانه به اکثر استان های کشور سفر کرده ام اما نمی دانم امروز بعد از گذشت دو دهه از آغاز تدریس، چرا احساس خوبی نسبت به آموزش روزنامه نگاری در کشور ندارم، شاید وضعیت اسفبار مطبوعات و سایر رسانه های جمعی و حرفه روزنامه نگاری و شرایط شغلی و اجتماعی اسفابرت خبرنگاران از یک طرف و وضعیت بغایت بفرنج جامعه ما که مطبوعات، رسانه ها و خبرنگاران در ایجاد آن سهم هستند از طرف دیگر، آموزش روزنامه نگاری را برایم بی معنی کرده است.

ولی، چون همیشه اعتقاد داشتم و دارم که اگر اصول بنیادی حرفه روزنامه نگاری را حداقل به یک جوان ایرانی در دورافتاده ترین منطقه کشورمان آموزش بدهم و به او بگویم که مهم ترین خصوصیت یک خبرنگار، حرفه ای سلامت نفس است و شجاعت و تخصص برای او یک ضرورت بشمار می رود، بطور قطع در تغییر دیدگاه غالب جامعه در خصوص خبرنگاران تاثیر مثبت خواهد گذاشت، آموزش روزنامه نگاری را در هرکجای این مرز و بوم یک فرصت می دانم و استفاده از این فرصت را حتی در سخت ترین شرایط برای خودم یک ضرورت!

و این فرصت امروز برایم فراهم شده است، برگزاری دوره آموزش روزنامه نگاری مقدماتی در شهری بنام « یک صود» مرکز بخش جرگلان از توابع شهرستان مرزی راز و جرگلان در استان خراسان شمالی .

باعث و بانی این دوره آموزشی دو روز در حقیقت یک کمپین مجازی با رهبری یک بانوی فعال اجتماعی اهل منطقه جرگلان به نام صاحب جمال رحیمی است که یک تنه در جامعه سنتی و البته مردسالار جرگلان پرچم تغییر را به اهتزاز درآورده و در کنار فعالیت های مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در عرصه رسانه نیز کمابیش فعال است و در حد توان خود و اقتضات منطقه تلاش می کند این فعالیت های خود را رسانه ای نیز بکند.

با صاحب جمال رحیمی اولین بار پس از برگزاری دوره آموزش روزنامه نگاری (گزارش نویسی) در شهر بجنورد مرکز استان خراسان شمالی در سال ۱۳۹۵ آشنا شدم زمانی که او با من تماس گرفت و پس از معرفی خود گلابه کرد که مسئولان خانه مطبوعات استان خراسان شمالی مانع شرکت او در این دوره آموزشی شده اند و علتش هم نداشتن مدرک لیسانس بوده است.

بطور طبیعی اظهارات او در آن زمان برایم بسیار

گزارش یک سفر کوتاه به منطقه ترکمن نشین جرگلان استان خراسان شمالی



عجیب بود، چرا که اولین بار می دیدم یک بانوی ترکمن اهل منطقه ناشناخته و دورافتاده جرگلان

پیگیر یادگرفتن حرفه روزنامه نگاری است و اینکه مسئولان خانه مطبوعات این استان به یک دلیل قابل اغماض او را از یک فرصت آموزشی محروم کرده بودند ناراحت شدم و به او قول دادم که از طریق فضای مجازی کمکش کنم و اگر فرصتی پیش بیاید یک دوره آموزشی در منطقه آنها برگزار کنیم.

سفر به منطقه جرگلان

سفر به منطقه جرگلان با هر هدفی هم که صورت بگیرد قطعاً این حسن را دارد که انسان با منطقه ای زیبا، بکر و ناشناخته، با جامعه ای دارای فرهنگ و آیین متفاوت و مهم تر از همه با انسان هایی سخت کوش، کم ادعا و کم توقع و البته دارای زخمی نهان از ظلم و تبعیض برتن آشنا می شود.

در مسیر گرگان به بجنورد پس از گذشتن از شهر آشنخانه در دو راهی راز و جرگلان از اتوبوس

آقای رحیمی جوانی خودساخته است، می گوید از سنین نوجوانی در تهران کار می کرده و پخت و پز غذاهای مختلف را در آنجا یاد گرفته و پس از مدتی تصمیم گرفته در منطقه خودش یعنی جرگلان رستوران و بومگردی راه بیااندازد، در اتاقی که برای من اختصاص داده اند انواع گوناهمیها به و تقدیرنامه ها و همچنین عکس های او به چشم می خورد.

❖ مردم این منطقه مثل خودم ترکمن هستند، من اهل ترکمن صحرا به عنوان بخش بزرگی از استان گلستان شامل گنبد، اق قلا، بندرترکمن، کلاله، گمش تپه و مراوه تپه هستم ولی مردم جرگلان که شاید ۳۰ کیلومتر از مراوه تپه گلستان فاصله نداشته باشد به رغم اینکه صد در صد ترکمن هستند اهل استان خراسان شمالی محسوب می شوند

❖ ساعتی از شب نگذشته بود که به شهر یکه صعود رسیدیم. ظاهر این شهر چیزی برای گفتن ندارد. به نظر می رسد روستایی بزرگ بوده که با احداث یک میدان و یک ورودی و چند ساختمان تجاری حداکثر دوطبقه در دو طرف خیابان اصلی و نصب چند تابلو راهنما، تبدیل به شهر شده است

شهر یکه صعود از اختصاص دادند. صاحب این بومگردی عبدالواحد رحیمی عموی صاحب جمال رحیمی است که انصافاً مکان جالب و نسبتاً مجهزی را برای من در نظر گرفته بود.آنچه که برای من بیشتر جلب توجه می کرد چیدمان راهرو و اتاق ها بود که تماماً با صنایع دستی ترکمنی تزئین و مفروش شده بود.

در دفتر و در واقع رستوران این بومگردی، صاحب جمال رحیمی که برای اولین بار از نزدیک او صحبت های «همراه خوشامدگویی توضیحات دبیرستان های شهر یکه صعود است بسیار جالب و پر محتواس. معلوم است که او اطلاعات وسیعی در مورد مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی این منطقه دارد. در مجموع همسفر شدن با او در آغاز ورودم به این منطقه برایم بسیار مغتنم بود.

البته از یک فرهنگی دارای مدرک کارشناسی ارشد رشته روانشناسی در چنین منطقه ای انتظار هم از نظر امکانات شهری و شهرداری و هم از

گزارش یک سفر کوتاه به منطقه ترکمن نشین جرگلان استان خراسان شمالی

جولان زیبایی و محرومیت در جرگلان



خانم رحیمی و یک عضو شورای شهر به استقبال آمدند و به محل کلاس که در دفتر کار شهردار تشکیل شده بود راهنمایی شدم. گرچه به گفته خانم رحیمی افزون بر حدود ۱۸ نفر برای شرکت در این دوره ثبت نام کرده بودند اما بیشتر از ۸ نفر در کلاس حضور پیدا نکردند.

البته با تجربه ای که من در طول حدود دو دهه تدریس در دوره های آموزش روزنامه نگاری در استان های مختلف کشور داشتم عدم استقبال از این دوره ها برایم چندان عجیب نیست، چرا که در اصل این دوره ها از سوی دفتر مطالعات و برنامه ریزی رسانه های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خانه های مطبوعات استان ها برای ارتقاء دانش و مهارت خبرنگاران شاغل در رسانه ها و روابط عمومی استان ها برگزار می شود و پس از گرفتن آزمون توسط این دفتر، در صورت گرفتن نمره قبولی گواهی رسمی گذراندن این دوره ها برای آنها صادر می شود که شاید در سوابق استخدامی یا برای جذب آنها به رسانه ها و ادارات و سازمان ها موثر باشد.

حال آنکه این دوره در جرگلان صرفاً یک دوره غیر رسمی و خودجوش از طرف یک کمپین مجازی بوده و گرچه با رییس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان راز و جرگلان هماهنگی های لازم صورت گرفته بود ولی از آنجا که غیر از خانم رحیمی کسی به عنوان خبرنگار حتی به صورت غیررسمی نیز در شهرستان فعال نیست، طبیعی بود که برگزاری این دوره آموزشی در این منطقه از استقبال قابل توجهی برخوردار نشود.

گرچه خانم رحیمی به شدت تلاش می کرد تا با تماس تلفنی افرادی که ثبت نام کرده بودند را به حضور در کلاس ترغیب کند ولی من به اندک دادم که خیلی ناراحت نباشد چرا که حتی یک نفر هم در کلاس باشد برای من کافیست. حقیقتش تجارب گذشته اثبات کرده که برگزاری کلاس های پرتعداد و حضور افرادی که حرفه خبرنگاری را نه از روی علاقه و شناخت بلکه از روی اجبار و صرفاً به عنوان یک شغل انتخاب کرده اند، در این کلاس ها خیلی مثرم ثمر نبوده و چون اکثراً به صورت تجربی و بدون ارزیابی کارشان، سالیهای سال فعالیت کرده اند چندان اعتقادی به آموزش ندارند و محصول کارشان را نیز از میزان استقبال مردم از مطبوعات و رسانه های رسمی کشور به خوبی می توان مشاهده کرد. اما به نظر من حضور کسانی که هنوز با فضای انحصاری رسانه ای کشور آشنا نیستند و فعالیت در رسانه های دولتی و حکومتی را تجربه نکرده اند در این کلاس ها بسیار مثرم ثمر خواهد بود چرا که شالوده فکر و اندیشه آنها مستقل از قید و بندهاست و اصول و بنیاد و جهانشمول روزنامه نگاری حرفه ای را البته اگر درست و بدون وابستگی فکری و عقیدتی به آنها منتقل شود، بهتر درک خواهند کرد و در عمل نیز به این اصول عنوان نسل گذشته تنها کاری که باید بکنیم این

پایبند خواهند شد.

در آغاز کلاس آقای مهدی خوشدل رییس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان راز و جرگان با حضور در کلاس ضمن خوشامدگویی به من و اظهار خوشحالی از تشکیل این کلاس و تقدیر و تشکر از خانم صاحب جمال رحیمی و شهرداری یکه صعود اعلام کرد که در صورت استقبال دو شهر دیگر این شهرستان یعنی راز و غلامان این کلاس در این دو شهر نیز برگزار خواهد شد. غیر از خانم صاحب جمال رحیمی، کسانی که در کلاس حضور داشتند گرچه در رسانه های رسمی هیچ گونه فعالیت رسانه ای نداشتند ولی اکثراً دستی در آتش! فضای مجازی داشتند و هرکدام به شکلی چه در پیج های شخصی و چه در کانال های خبری فعال بودند و وقتی از هرکدام پرسیدم که نگاه و برداشت شان از مقوله رسانه چیست متوجه شدم که مهم ترین دغدغه آنها این است که به شکلی مسائل و مشکلات منطقه شان را از

❖داشتن سلامت نفس، داشتن شجاعت در بیان حقایق، نداشتن

تعصب، داشتن تحصیلات آکادمیک، داشتن اطلاعات عمومی، آشنایی با حداقل یک زبان بین المللی، داشتن قدرت تحلیل و تفسیر مسائل و داشتن شم خبری از مهم ترین پیش نیازهای حرفه خبرنگاری است که هرکدام را به تفصیل برای شرکت کنندگان در این کلاس تشریح کردم

آکادمیک، داشتن اطلاعات عمومی، آشنایی با حداقل یک زبان بین المللی، داشتن قدرت تحلیل و تفسیر مسائل و داشتن شم خبری از مهم ترین این پیش نیازها بود که هرکدام را به تفصیل برای شرکت کنندگان در این کلاس تشریح کردم./

در ادامه این کلاس، انواع رسانه ها شامل مطبوعات، خبرگزاری ها، رادیو، تلویزیون، سایت ها و پایگاه های خبری و شبکه های اجتماعی را معرفی کردم و سپس محصولات خبری شامل خبر، گزارش، مصاحبه، سرمقاله، یادداشت، مقاله، طنز، کاریکاتور، اینفوگرافیک و موشن گرافیک را هرکدام جداگانه توضیح دادم.

آشنایی با مقوله خبر و آموزش خبرنگویی بخش پایانی اولین روز این کلاس بود که به تفصیل به آنها پرداخته شد.

در این بخش ضمن بیان تعاریف مختلف از خبر به تعریف مشهور خبر از سوی کمسیون مک براید وابسته به یونسکو تاکید کردم و با تشریح ویژگی های مورد اشاره در این تعریف برای خبر، توضیحاتی درباره آخرین ویژگی در این تعریف ارائه کردم.

این کمسیون درخصوص این ویژگی خبر معتقد است که «خبر بایستی ادراکات فرهنگی جوامع خاص خود را منعکس نماید». در تشریح این ویژگی در این کلاس تصریح کردم که منظور از ادراکات فرهنگی همان باورها و چارچوب هایی است که هر جامعه ای برای خودش ترسیم می کند و در واقع فرهنگ غالب آن جامعه است و خبری که در این جامعه تهیه می شود طبیعی است نمی تواند بر ضد این فرهنگ باشد، اما سوال این است که آیا مختصات این فرهنگ و چارچوب و حد و مرزهای آن می تواند دستوری باشد.

در ادامه این بخش ارزش های خبری شامل دربرگیری، شهرت، مجاورت، برخورد، استثناء، بزرگی و تازگی را هرکدام جداگانه تشریح کردم و سپس عناصرخبر را طبق متد مشهور ΔW&H معرفی کردم . لید خبر، منبع خبر، سبک های خبری، مقوله های نرم خبر و سخت خبر و چند مقوله دیگر در ارتباط با خبر نیز از دیگر مواردی بود که در بخش پایانی اولین روز این کلاس مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

نمایش زندگی فرش بافان ترکمن

بعد از کلاس با خودرو یکی از شرکت کنندگان در کلاس یعنی آقای حمید مرادی همراه با خانم رحیمی به بومگردی اندیم. آقای مرادی ظاهراً در کار عکاسی و فیلم برداری مراسم عروسی ها و بخصوص مسابقات کورس اسب دونای در جرگلان است. آدم خوش مشرب و در عین حال سرشار از احساسات قومیت ترکمنی است. اطلاعات وسیعی از ریز جزئیات منطقه جرگلان دارد و تحصیلات دانشگاهی خود را هم نیمه کاره رها کرده است.

احساس کردم در این فرصت محدودی که من دارم و در فقدان امکانات بخصوص وسیله نقلیه که بخاطر بعد مسافت روستاها از همدیگر بسیار ضروری است، او می تواند فرد مناسبی برای آشنا کردن من با این منطقه باشد.

احساس من خیلی زود تغییر شد و آقای رحیمی قول داد که فردا بعد از اتمام کلاس من را به روستاهای دور دست بخصوص تا نقطه مرزی بین ایران و ترکمنستان ببرد.

در رستوران بومگردی آقای رحیمی ناهار را به اتفاق خانم رحیمی صرف کردم. کلاس جوجه تا جوجه این مناطق دوردست هم آمده است. آقای رحیمی واقعا آشپز ماهر و بسیار هم خوش سلیقه است و اکبر جوجه او با اکبر جوجه اصل و اورجینال گلوگاه استان مازندران هم از نظر کیفیت و هم از نظر خوشمزهگی برابری می کرد.

خانم رحیمی سر میز ناهار از فعالیت های خود در بخش صنایع دستی ترکمنی صحبت کرد و با نشان دادن یک بروشور به سفر دو هفته ای خود به کلن آلمان برای شرکت در نمایشگاه ویژه فرش ترکمن اشاره کرد.

به گفته او هدف از برگزاری این نمایشگاه، نمایش زندگی فرش بافان ترکمن از طریق فرش هایی است که بر یافته ترکمن دانستن سیر زندگی خود را از طریق بافتن نقش و نگارها، علائم و نمادها و نقاشی ها روی ... **ادامه درصفحه بعد**

اصطلاح «قانون»، شما مرتکب جرمی می شوید که مجازات آن ممنوعیت خروج از کشور است یا به عبارتی شما مجرمید پس مستحق زندگی اجباری در ایران هستید!

آقا و خانم نماینده، آیا زندگی در ایران مجازات است؟ زندگی در ایران، سرزمین مادری مان، هم ردیف زندان و جزای نقدی و شلاق و تبعید و اعدام است؟ آیا شما این قدر از ایران بیزارید که زندگی بین خلیج فارس تا دریای خزر را یک نوع کیفر می دانید؟

من از آن وطن پرستانی نیستم که بگویم ایران بهشت است و غیر آن جهنم ولی من ایران را دوست دارم، دوست داشتنی از جنس خاطره، از جنس چغازنبیل و گنبد سلطانی، با طعم گز و قطاب و نان برنجی با رنگ عکس های سیاه و سفید خرمشهر و آبی فیروزه ای میدان نقش جهان؛ ولی حالا شما اسم این دوست داشتن را گذاشته اید مجازات؟ مرا و هم وطنانم را به وطن خودمان تبعید می کنید؟

امیدوارم و از خدا می خواهم که به عنوان قاضی هیچگاه مجبور به صدور حکم به استناد این قانون فاجعه بار نباشم، اما به فرض محال و خدایی ناکرده اگر چنین شد، من قاضی باید به متهم چنین بگویم: شما را به لحاظ ارتکاب فلان جرم به دو سال زندگی اجباری در ایران، بزرگترین میراث مشترک مان مهد زبان قند و شکر پارسی محکوم می کنم!

آقایان و خانم های نماینده که مسئولیت تصویب چنین قانون تاسف آوری بر عهده شماست، شاید شما زندگی در ایران برایتان مجازات است، ولی من و خیل بزرگی از ایرانی ها زندگی داخل این مرزها را دوست داریم و با اراده زیستن در این خاک را انتخاب کرده ایم.

به ما بسیار بر می خورد و برایمان خفت بار است که زندگی در ایران را که حق و ارزوی ماست، به عنوان مجازات در نظر گرفته اید کاش بفهمید که این قانون برای ایران ننگ است.

حاج بک محمد آخوند ساعدی

امام جماعت و مدرس حوزه علمیه حنفیه روستای سوخسو هاشم جرگلان استان خراسان شمالی و مولف کتاب عقیده ترکمان از جرگلان تا هر کران



یک قاضی: از خدا می خواهم مجبور نشوم با استناد به قانون فاجعه بار حجاب، رای صادر کنم

«مجازات» ممنوعیت از خروج از کشور؟ درست می خوانم؟ در قوانین ایران بی سابقه است که ممنوعیت خروج از کشور یک «کیفر» باشد. تا کنون در قوانین ممنوعیت خروج از کشور یک اقدام مقدماتی برای دستیابی به متهم برای محاکمه یا جلوگیری از فرار متهم بوده که امری قابل پذیرش و در دنیا نیز رایج است، اما مگر می شود ممنوعیت خروج از کشور را یک مجازات بدانیم؟ متأسفانه آری؛ بر اساس این به اصطلاح «قانون»، شما مرتکب جرمی می شوید که مجازات آن ممنوعیت خروج از کشور است یا به عبارتی شما مجرمید پس مستحق زندگی اجباری در ایران هستید!

به گزارش جماران، امین تویسرکانی، بازپرس دادسرای جرایم رایانه ای تهران در صفحه اینستاگرام خود نوشت: قانون حجاب و عفاف را خواندم و در بهت فرو رفتم. از میان صدها انتقادی که به اساس و جزئیات این قانون وارد است، فقط می خواهم از یک نکته بگویم که بیش از همه غمگین، یا بهتر بگویم خشمگینم کرد. در این قانون دوازده مرتبه «ممنوعیت خروج از کشور» به عنوان مجازات تعیین شده است.

«مجازات» ممنوعیت از خروج از کشور؟ درست می خوانم؟ در قوانین ایران بی سابقه است که ممنوعیت خروج از کشور یک «کیفر» باشد. تا کنون در قوانین ممنوعیت خروج از کشور یک اقدام مقدماتی برای دستیابی به متهم برای محاکمه یا جلوگیری از فرار متهم بوده که امری قابل پذیرش و در دنیا نیز رایج است، اما مگر می شود ممنوعیت خروج از کشور را یک مجازات بدانیم؟ متأسفانه آری؛ بر اساس این به



رونمایی از چهار کتاب برگرفته از میراث جزیره قشم

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی منطقه آزاد قشم گفت: چهار کتاب گمش جزیره، چیرا، تیتوک و چکچاکاون جزیرت که به جمع آوری و ارائه روایت ها، افسانه ها، آیین ها و میراث ناملموس جزیره قشم می پردازند در هفته کتاب منتشر و رونمایی شد.

به گزارش روابط عمومی و امور بین الملل سازمان منطقه آزاد قشم، محمد غفاری در آیین رونمایی از این کتاب ها بیان داشت: گمش جزیره نوشته حاج محمد زبیری شاعر و نویسنده پیشکوست جزیره می باشد که در آن پندیات و آموزه های اخلاقی و شیوه زندگی بزرگان جزیره در قالب شعر سروده و منتشر شده است.

وی ادامه داد: چیرا به بیان افسانه ها و روایت های عامیانه از کوه های جزیره می پردازد و وجه تسمیه کوه ها و آیین های مرتبط با آن را مورد بررسی و کندوکاو قرار می دهد و دکتر عبدالرضا دشتی زاده باستان شناس جزیره قشم این کتاب را از بررسی های میدانی و گفت و گو با بزرگان جزیره دریافت کرده و به نگارش درآورده است.

به گفته غفاری، مجموعه داستان تیتوک برگرفته از آثار برگزیده جشنواره داستان نویسی جزیره قشم و مجموعه داستان چکچاکاون که با زبان قشمی نگاشته شده است؛ دیگر کتاب هایی هستند که در هفته کتاب رونمایی شدند.

غفاری در ادامه بیان داشت: با برنامه های مختلف در هفته کتاب و کتابخوانی به ویژه پوشش قشم جزیره دانایی بر ضرورت حفظ میراث معنوی و انتشار کتاب های اینچنینی با موضوعات مردم شناسی تاکید داریم.

در بخش دیگری از این آیین، حاج محمد زبیری نیز با بیان اینکه سرودن اشعار کتاب گمش جزیره بیش از ۲۵ سال زمان برده است، از آماده سازی انتشار کتابی با زبان محلی و معرفی و معنی بیش از ۶۰۰۰ واژه اصیل قشمی در آینده ای نزدیک خبر داد.

در ادامه عبدالرضا دشتی زاده با بیان اینکه چیرا به معنای نشانه گذاری برای پیدا کردن مسیر است، زمین و کوه های جزیره را سرشار از داستان ها و روایت هایی دانست که هر کدام هویت ویژه ای به این جزیره زیبا بخشیده اند و تاکید کرد که بایست بیش از پیش در جمع آوری این روایت ها و افسانه ها تلاش و همت داشت.

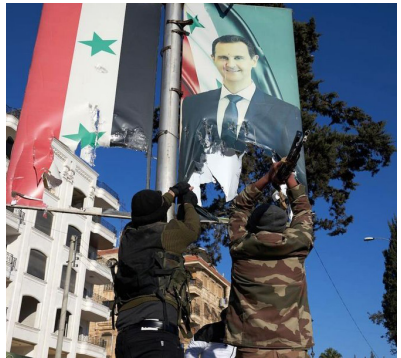
بنابراین گزارش، پایان بخش این مراسم خوانش سه روایت و خاطره از کتاب تیتوک و چکچاکاون جزیرت بود که توسط نویسندگان آن خدیجه دریانورد، رویا ناظری و رشاد عقیلی برای حاضران در جلسه ارائه شد.

پایان خاندان اسد در سوریه

صبح روز یکشنبه ۱۸ آذرماه ۱۴۰۳ مخالفان مسلح سوری از تصرف شهر دمشق پایتخت خبر دادند و متعاقب آن منابع خبری از خروج «بشار اسد» رئیس جمهوری سوریه از این شهر خبر دادند.

به گزارش امروز یکشنبه ایرنا، رسانه های خبری صبح امروز از ورود مخالفان سوری به دمشق خبر داده و اعلام کردند که بشار اسد از پایتخت سوریه خارج شده است.

تصرف دمشق به دست مخالفان سوری و خروج بشار اسد از پایتخت رسانه های غربی و عربی بامداد یکشنبه با انتشار گزارش هایی، خبرهای در مورد خروج بشار اسد از سوریه و نیز ورود گروه های مسلح به دمشق پایتخت این کشور مطرح کردند.



شبکه العربیه بامداد یکشنبه در گزارشی اعلام کرد، گروه های مسلح مخالف بشار اسد ساعتی قبل وارد دمشق شدند و کنترل پایتخت سوریه را به دست گرفتند. شبکه المیادین نیز به نقل از رویترز گزارش داد که گروه های مسلح بدون وجود هیچ نشانه ای از ارتش سوریه وارد دمشق شدند.

بنا به گزارش این شبکه از رویترز همچنین به نقل از مقامات بلند پایه سوریه اضافه کرد که بشار اسد رئیس جمهور سوریه دمشق را به مقصد نامعلومی ترک کرده است. به ادعای رسانه های عربی و نیز غربی از جمله سی ان ان و رویترز خروج اسد از دمشق به مقصد نامعلومی که می تواند خارج سوریه و یا داخل سوریه (شهرهای علوی نشین ساحل مدیترانه لاذقیه و طرطوس) باشد، صورت گرفته است.

فلایت رادار گزارش داد که یک هواپیما به سمت شمال غربی حرکت کرده و در نزدیکی حمص محو شده است.

وال استریت ژورنال نیز به نقل از مسئولان امنیتی سوری گزارش داد: بشار اسد بامداد امروز یکشنبه دمشق را به سمت نامعلومی ترک کرد.

اولین بیانیه دولت انتقالی سوریه

ای فرزندان آزاده سوریه، پس از سال های طولانی بی عدالتی، ظلم و ستم، و پس از فداکاری های بزرگ فرزندان و دختران این میهن عزیز، امروز به مردم بزرگ سوریه و تمام جهان اعلام می کنیم که رژیم بشار اسد سقوط کرده است. او از کشور فرار کرده و میراثی از ویرانی و رنج را پشت سر گذاشته است.

در این روز تاریخی، ما اعلام می کنیم که نیروهای انقلاب و اپوزیسیون کنترل امور را در سوریه عزیز به دست گرفته اند و بر تعهد خود برای ساختن یک کشور آزاد، عادلانه و دموکراتیک که در آن همه شهروندان بدون تبعیض برابر باشند، تاکید می کنیم.

ما در پیشگاه خداوند و مردم به موارد زیر عهد می کنیم:

۱. حفظ وحدت و حاکمیت خاک سوریه.
۲. حفاظت از همه شهروندان و دارایی آنها بدون توجه به وابستگی آنها.
۳. تلاش برای بازسازی دولت و نهادهای آن بر پایه های آزادی و عدالت.
۴. تلاش برای دستیابی به آشتی ملی همه جانبه و بازگرداندن پناهندگان و آوارگان به خانه هایشان و امنیت و عزت.
۵. پاسخگویی از همه کسانی که بر اساس قانون و عدالت مرتکب جنایت علیه مردم سوریه شده اند. ما از مردم سوریه می خواهیم که در این مرحله تاریخی متحد شوند و در کنار هم بایستند و تاکید می کنیم که سوریه جدید در انحصار هیچکس نخواهد بود، بلکه سرزمینی برای همه خواهد بود. زنده باد سوریه آزاد و سربلند
۶. سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد.

شورای ملی انتقالی دمشق، ۰۸.۱۲.۲۰۲۴



منطقه آزاد قشم
QESHM FREE AREA

باسمه تعالی

آگهی تغییرات شرکت بازرگانی نویدا مهر قشم (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۰۷۵ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۵۱۶۰۲۲

برابر صورتجلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده مورخ ۱۴۰۳/۰۸/۰۵ شرکت مزبور به واصله مورخ ۱۴۰۳/۰۸/۱۵ که در تاریخ ۱۴۰۳/۰۸/۲۹ از لحاظ واریز هزینه های ثبتی و امضای ذیل دفاتر ثبت تکمیل گردیده است. - موسسه غیر تجاری یکتا محاسب توانا حسابداران رسمی به سمت بازرس اصلی و آقای محمود چاخارلو به ترتیب به سمت بازرس اصلی و علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند.

رویا زاهدنیا

رئیس اداره ثبت شرکتها و مالکیت های صنعتی و معنوی

منطقه آزاد قشم

تبصره: با عنایت به اینکه درج آگهی در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران شرط اصالت این آگهی می باشد مستفاد از ماده ۱۰ ضوابط ثبت شرکت و مالکیت های صنعتی و معنوی در مناطق آزاد تجاری صنعتی، شرکت مکلف است ظرف مهلت مقرر حداکثر ده روز از تاریخ صدور این آگهی با حضور در اداره ثبت شرکت های سازمان منطقه آزاد قشم نسبت به درج آگهی فوق در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران اقدام نماید. در غیر این صورت هیچگونه مسئولیتی متوجه این اداره نمی باشد